

آینة

انتقاد

مسئولان کار بلد نیستند، کاربلدها مسئول نیستند

● **در گفت‌وگو با علی‌رضا بهشتی...** در میان کسانی که در سال ۱۳۵۷ انقلاب کردند، افراد تحصیل‌کرده حضور داشتند اما واقعیت آن است که داشتن تحصیلات عالی با تجربه‌ی مدیریتی و عملیاتی متفاوت است، آن‌هم در یک سطح خیلی کلان مانند اداره امور یک کشور. تعداد کسانی که در آن دوران می‌دانستند ابعاد مدیریتی اداره کشور چیست به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسید. یادم‌ان باشد که یکی از مشکلاتی که کشور در اوایل انقلاب با آن دست‌وپنجه نرم می‌کرد، فساد و ناکارآمدی گسترده دستگاه‌های اداری رژیم گذشته بود که پیش از انقلاب در مطبوعات نیز مطرح می‌شد و این سیستم فاسد و ناکارآمد به انقلابیون به ارث رسید... متأسفانه دوره کارآموزی برخی از افراد بعضاً تا ۴۰ سال که امروز باشد طول کشیده اما همچنان در اداره امور ناتوانند... با توجه به فقدان نیروی متخصص لازم برای اداره کشور، شهید بهشتی اعتقاد داشت که انقلاب با ۳۰ سال زود اتفاق افتاد... تا به امروز تعریف روشن و دقیقی از منافع ملی چه برای مسئولان و چه برای مردم وجود ندارد و به همین دلیل ما شاهد ملوک‌الطوایفی در ساختار حاکمیت هستیم... مشکل اصلی کشور آن است که مسئولان ما کاربلد نیستند و آنهایی که کاربلد هستند مسئول نیستند... در ۴۰ سال عمر انقلاب ما کمتر شاهد پاسخ‌گویی از این قشر بودیم درحالی‌که با توجه به اسمی که برای‌شان انتخاب شده یکی از وظایف اصلی آنها پاسخ‌گویی است. شغل اصلی این مسئولان آن است که رییس باشند. بارها مشاهده کرده‌ام که برخی از این مسئولان وقتی حتی برای مدت محدودی از این گردونه ریاست خارج می‌شوند، دچار بحران روانی و هویتی شده و نمی‌دانند چه کنند. دیده‌ام که برخی از مسئولان خارج از سیستم رانتی که در آن کار می‌کنند، توانایی انجام هیچ کاری ندارند. اجازه دهید صراحتاً بگویم که بخش بزرگی از مدیران ما در سطوح مختلف مسئولان رانتی هستند... دلیل اصلی آن هم این است که مدیریت کشور ما به لوله‌های صادرات نفت منکی بوده است، نفتی که تصور می‌شود صاحب ندارد. درحالی‌که نفت صاحب دارد و صاحب اصلی آن مردم هستند... متأسفانه بخش دولتی ما بی‌حساب‌وکتاب است، درست برعکس بخش خصوصی. در بخش خصوصی هر یک هزار تومان حساب‌وکتاب دارد، اما این حساسیت در بخش دولتی محلی از اعراب ندارد... متأسفانه اکثر سیاست‌مداران ما تنها بازی‌ای که بلد هستند، بازی حافی است. حکومتی که اپوزسیون عاقل نداشته باشد، قطعاً دچار مشکل می‌شود. زمانی که در میدان سیاست بازی حذفی می‌کنید، با حذف اپوزسیون عاقل، شرایط را برای رشد اپوزسیون برانداز فراهم می‌کنید.

نقد و انتقاد

یک پاسخ به حمله‌های بی‌بشمار

● **مسعود تبلی:** ... سیاست‌مداران و برخی اقتصاددانان در اصطلاح نهادگرا، از دو گزاره علم اقتصاد بیزارند: یکی رابطه بین تورم و نرخ ارز و دیگری رابطه بین نقدینگی و تورم... مطالعات متعدد انجام‌شده در مورد اقتصاد ایران نشان‌دهنده آن است که تورم مزمن ایران، ناشی از رشد بالای نقدینگی، به‌عنوان بزرگ‌ترین نارسایی نهادی اقتصاد ایران است که ریشه در کسری‌های مالی عمدتاً تحصیل‌شده از سمت نهادهای سیاست‌گذار، به پنگاه‌های تولیدکننده، بانک‌ها و دولت دارد که نهایتاً به‌وسیله بانک مرکزی تأمین می‌شود. هرچند این کسری‌های تحمیلی، با هدف خیرخواهانه سیاست‌مداران برای مقابله با افزایش قیمت‌ها صورت می‌گیرد، اما همین کار مهم‌ترین علت بروز تورم و ایجاد انگیزه در دولت‌مردان برای واردآوردن فشار به بنگاه‌های اقتصادی است.

نگارخانه

جامعه با گروه‌های مرجع ارتباطی ندارد

● **در گفت‌وگو با مقصود فراسخو:** جبر مردم ایران برای حفظ بقای خود یک نوع خستگی عاطفی، بی‌میلی اجتماعی و عدم امید به آینده در آنها به وجود آورده است. به‌همین‌دلیل نیز افق‌ها برای مردم ایران ناپدید شده‌اند. ذهن فرد ایرانی به انبازی از اطلاعات تبدیل شده، درحالی‌که هیچ نقشه راهی برای خود تدوین نکرده است. فرد ایرانی از همه‌چیز اطلاع دارد، اما دارای هوشیاری برای زیستن نیست. به‌همین‌دلیل نمی‌توانند خود را تعریف‌کنند و از نو بسازند و به خودتعیین‌گری و خودانثربخشی برسند... فوکویاما به‌تازگی درباره ایران اظهار می‌کند: «در جامعه ایران تغییرات بزرگی در زمینه شهری، جمعیتی و رسانه‌ای در حال شکل‌گیری است، درحالی‌که ساختارها اغلب پس‌افتاده و ازکارافتاده است و مدل‌های تصمیم‌گیری و ذهنی همچنان در گذشته باقی مانده است. در چنین شرایطی گروه‌های مرجع جدید امکان رشد و آزادی عمل ندارند و از امکانات لازم برای انتقال معانی و مفاهیم خود به جامعه برخوردار نیستند. هنگامی که جامعه نمی‌تواند با گروه‌های مرجع جدید مانند روزنامه‌نگاران، روشنفکران و منتقدان اجتماعی ارتباط برقرار کند و از سوی دیگر گروه‌های مرجع نیز نمی‌توانند با جامعه ارتباط داشته باشند به‌یکباره سلب‌رئی‌ها و شاخ‌های فضای مجازی سر در می‌آورند.

politics@sharghdaily.ir

شرق: آیت‌الله از پاسخ آیت‌الله قانع‌نشد. اظهارنظرهای انتقادی آیت‌الله مکارم‌شیرازی نسبت به دستگاه قضا و پاسخ آیت‌الله آملی‌لاریجانی، رئیس این دستگاه، از نگاه این مرجع تقلید قانع‌کننده نبوده است تا جایی که به انتشار نامه دیروز آیت‌الله مکارم‌شیرازی خطاب به آیت‌الله آملی‌لاریجانی منجر شد. معلوم نیست که آیا این نامه هم واکنش یا پاسخی به دنبال خواهد داشت یا خیر.

اگر نگاهی به اظهارنظرهای مراجع تقلید در سال‌های اخیر بیندازیم، در میان آنها آیت‌الله ناصر مکارم‌شیرازی تقریباً سرآمد است؛ هم از نظر تعداد و حجم اظهارنظرها و هم محتوا و لحن آنها. بیشترین انتقاد یا اعتراض به سیاست‌های اجرایی در کشور در حوزه خرد یا کلان متعلق به این مرجع تقلید بوده است. اگرچه قوا و دستگاه‌های مختلف معمولاً سهم برابری از این انتقادات نداشته‌اند و اتفاقاً دستگاه قضائی تاکنون کمتر مورد انتقاد این مرجع تقلید قرار گرفته بود تا جایی‌که می‌توان گفت این حجم از انتقادات اخیر این مرجع تقلید از قوه قضائیه، آن هم در بازه زمانی کوتاه تقریباً تازگی دارد، اما آخرین انتقاد او که به نظر می‌رسد از همه انتقادات پیشین تندتر بوده است، واکنش رئیس دستگاه قضا را به دنبال داشت. آیت‌الله مکارم‌شیرازی در آن انتقاد برخی احکام قضائی را منطبق بر اسلام ندانسته بود.

ناراضایتی مردم از دستگاه قضا

آیت‌الله مکارم‌شیرازی یک‌بار گفته بود: «مردم از دستگاه قضائی فعلی به‌شدت ناراضی هستند، چون همیشه صحبت مفسدان اقتصادی است، اما مجازات نیست، جرم هست، اما مجازاتی در کار نیست. برای خودشان تشریفات غلط و دست‌وپاگیر درست کردند که محاکمه مفسدان اقتصادی مدت‌های طولانی وقت می‌برد. اگر قاطعیت باشد می‌شود هرکدام از مفسدان را در یکی، دو ماه محاکمه کرد و امیرالمؤمنین علی(ع) در یک جلسه محاکمه می‌کرد، حکم می‌داد و اجرا می‌کرد، اما محاکمه مفسدان در دستگاه قضائی مدت‌های طولانی طول می‌کشد. از همه بدتر این است که مفسدان اقتصادی دستشان در دست قدرت‌های نفوذی است، چراکه اگر این‌طور نبود، آنها نمی‌توانستند این کارها را بکنند و مثلاً تعداد انبوهی ماشین‌های خارجی وارد کنند یا سه هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان به جیب بزنند و فرار کنند...» او پیش‌تر هم گفته بود: «مردم از دستگاه قضائی به‌شدت شکایت دارند. می‌گویند اگر آنها با قاطعیت، شجاعت و سرعت با مفسدان اقتصادی برخورد کنند این جرم‌ومه‌های فساد به‌سرعت برچیده می‌شوند. اگر ۲۰، ۱۰ نفر از آنها را با محاکمه سریع؛ یعنی حداکثر در یکی، دو ماه، نه چند سال، محاکمه کنند و اموالشان مصادره شده و به اشد مجازات، مجازات شوند، اوضاع عوض می‌شود و اگر آنها به افراد صاحب‌نفوذی مربوطند که حتماً مربوطند آن صاحبان نفوذ را با شجاعت پای میز محاکمه بکشند و با محاکمه سریع، حکم آنها را اجرا کنند و آنها را با مجازات شدید، مجازات کنند، به یقین کسی جرئت نمی‌کند که سرمایه‌های عظیم مردم را به حساب خود بریزد. اگر در مسئله چهار، پنج هزار خودروی قاچاق که اسدان آن‌کامل‌ا در دست است، در چند هفته حکیم صادر و اجرا شود، دیگران جرئت آن سوءاستفاده‌های کلان را نخواهند کرد. تکرار می‌کنم، مردم قضائی می‌خواهند شجاع، باقاطعیت و باسرعت که به این وضع شرم‌آور مفسدان پایان دهند.»

انتقاد قضات

او پیش‌تر در دیدار با حجت‌الاسلام صادقی، معاون فرهنگی قوه قضائیه، با اشاره به اهمیت قوه قضائیه در جامعه اسلامی گفته بود: «طولانی‌شدن رسیدگی به پرونده‌ها بسیار آزاردهنده است و این امر ریزنده دستگاه قضائی جمهوری اسلامی نیست. متأسفانه مشاهده می‌شود که بعضی قضات آن صبر و حوصله کافی در هر قضا را ندارند و زود عصبانی می‌شوند و لازم است که قضات ما تمرین صبر و حوصله کنند... خیلی از قضات می‌توانند مردم و طرفین دعوا را با یکدیگر آشتی و به آنها نحوه صلح و سازش را آموزش دهند و این کار می‌تواند تعداد پرونده‌ها را تا حد زیادی کاهش دهد». وی نظرات کافی بر وکلا را خواستار شد و گفت: «متأسفانه گاهی اوقات بعضی از وکلا در روند دادرسی سنگ‌اندازی می‌کنند و باعث طولانی‌شدن روند دادرسی می‌شوند که لازم است فکری برای این موضوع شود.»

انتقاد صدور احکام خلاف اسلام

آیت‌الله مکارم‌شیرازی ام ۱۱ مهرماه، زمانی که از احکام دستگاه قضائی نسبت به بدهکاران مالی، به‌ویژه بدهکاران مهریه به‌شدت انتقاد می‌کرد، گفت: «دستگاه قضائی باید مطابق احکام اسلام باشد، چرا برخلاف احکام اسلام عده‌ای به زندان بروند؟ مهریه عندالمطالبه است و زن از طریق دادگاه، آن را به اجرا می‌گذارد و همسر را به زندان می‌اندازد؛ اینجا چند اشتباه صورت می‌گیرد که باید به توضیح آن پرداخت. یک اشتباه این است که عندالمطالبه را با عندالاستطاعه تفاوت قائل می‌شوند، درحالی‌که قدرت شرط عامه همه تکالیف است و تا وقتی قدرت پرداخت در فرد وجود ندارد، مطالبه وجهی ندارد. اشکال دوم اینکه اصل، ایصال است یا اعسار؟ در دستورات اسلام داریم کسی که

سیاست

آیت‌الله مکارم‌شیرازی به رئیس قوه قضائیه نامه نوشت

گلایه‌های آیت‌الله

آیت‌الله مکارم شیرازی خطاب به آیت‌الله آملی‌لاریجانی: قانع نشدم



توضیحات کافی نبود

در متن نامه سرگشاده آیت‌الله مکارم‌شیرازی به رئیس قوه قضائیه آمده است: «جناب مستطاب آیت‌الله آملی‌لاریجانی، ریاست محترم قوه قضائیه (دامت برکاته)، با اهدای سلام و تحیت، معروض می‌دارد: بیانات جناب‌عالی را درباره مسائلی که اینجانب مطرح کرده بودم، خواندم؛ متأسفانه قانع‌کننده نبود و شاید توضیحات من برای آن چند مسئله کافی نبوده است. بنابراین پیشنهاد می‌کنم همان‌طور که خود شما هم اشاره کرده‌اید، دادستان کل کشور و دو نفر از قضات عالی‌رتبه که سوابق حوزوی داشته باشند تشریف بیاورند تا آن چهار مسئله مهم درباره مهریه در محیط عالمانه و دور از عصبانیت حل‌وفصل شود و چنانچه آن چهار مسئله روشن شد، ان‌شاءالله به کار بسته شود و اگر بعضی از قوانین موجود با متون اسلامی سازگار نبود، از طریق مجلس شورای اسلامی اصلاح شود. اینجانب برای قوه قضائیه و برای اشخص جناب‌عالی قائل به احترام بوده و هستم و تضعیف این قوه را کار خلافی می‌شمرم. هدف اینجانب روشن‌ساختن قوانین مرفعی اسلام و کمک به جمعی از گرفتاران مهریه است. لطفاً دستور دهید لیست کامل زندانیان مهریه را با ذکر سن و سال، همراه بیاورند. امیدوارم بتوانیم از این طریق کمکی به حل مشکلات جوانان که گرفتار مسئله مهریه هستند و در زندان‌ها به سر می‌برند بنماییم. همیشه در سایه لطف پروردگار موفق باشید.»

توان پرداخت بدهی خود را دارد، اما بدهی خود را نمی‌دهد باید به زندان انداخت، اما کسی که ندارد را نمی‌توان به زندان انداخت. این مسائل شرعی را قضات دادگستری باید با حوزویان بنشینند و حل کنند. چرا زندان‌ها را پر و ما را به واسطه این بدلتان می‌کنید. اصل بر اعسار است و نداشتن، دلیل نمی‌خواهد. حاکم بعد از اینکه مشاهده می‌کنند مرد توان پرداخت دفعی مهریه را ندارد، آن را به صورت پرداخت یک سکه، نیم‌سکه و ربع‌سکه تقسیت می‌کنند و می‌گویند تا اقساط تمام نشود زن اختیار دارد که تمکین نکند. بعد حساب می‌کنند که ۵۰ سال پرداخت اقساط طول می‌کشند و اگر مرد در زمان تقسیت مهریه ۳۰ سال داشته باشد، در ۸۰ سالگی اقساط او پایان می‌یابد. چرا حکمی می‌دهید که هرکس بشنود بخندد؟»

او در بخش دیگر سخنان خود به فزونی پرونده‌های دادگستری به‌ویژه در مسائل خانوادگی اشاره کرد و گفت: «بیشتر از پرونده‌ها بر سر مسائل جزئی است؛ در گذشته اگر اختلافی بین دو نفر به وجود می‌آمد، با کدخدামشی حل می‌شد، اما امروز تا اختلافی پیدا می‌شود، فوراً به دادگستری مراجعه می‌کنند، درحالی‌که غالب اینها را بزرگ‌ترهای قوم می‌توانند حل کنند. اسلام دین سحمی و سهلی و عدالت‌پیشه‌اش است و حساب‌وکتاب دارد، نمی‌شود به مردم زور گفت. امیدوارم دستگاه قضائی بیایند و بنشینند و با حوزویان صحبت کنند و این مشکلات را حل کرده و مردم را گرفتار ندان نکنند.»

از پشت کوه قاف نیامده‌ایم

آملی‌لاریجانی، رئیس قوه قضائیه، هفته گذشته در سخنانی مشروح پاسخ انتقادات مکارم‌شیرازی را داد و گفت: «برخی اشکالات درباره دستگاه قضائی مطرح می‌شود که وقتی از سوی علمای حوزوی به‌ویژه برخی مراجع معظم باشد، باید بیشتر مورد غایت قرار بگیرد، زیرا می‌دانیم که اگر از میان علمای حوزه کسانی انتقاد می‌کنند، نیتشان اصلاح و بهبود وضعیت است و هیچ شائبه‌ای از جهت دیگر وجود ندارد. به‌تازگی آیت‌الله ناصر مکارم‌شیرازی، از مراجع عظام تقلید، با انتقاد از حبس جوانان به‌خاطر مهریه با بیان اینکه برخی احکام صادرشده درباره مهریه خنده‌دار است، تأکید کرده بود: «دستگاه قضائی باید مطابق احکام اسلامی باشد؛ چرا عده‌ای برخلاف احکام اسلامی زندانی می‌شوند؟ بنده معمولاً از پاسخ به این‌گونه انتقادات اجتناب می‌کنم تا خدای آگاه حاشیه‌ای برای دستگاه قضائی و نظام ایجاد نشود، زیرا معتقدم مقصود ما حل مشکل است و نیازی به هیاهو نیست. از طرفی اعتقاد دارم که کار دستگاه قضائی باید تبیین شود و به‌همین‌دلیل در پاره‌ای از موارد که برخی فقهای بزرگوار اشکالاتی را مطرح کرده‌اند، از دادستان محترم کل خواسته‌ام که به محضر این بزرگواران برسند و برای رفع ابهام به ارائه توضیح بپردازند. رئیس قوه قضائیه گفته بود: «به محضر شریف ایشان عرض می‌کنم چرا به‌گونه‌ای صحبت می‌شود که گویی مسئولان قضائی و قضات شریف از پس کوه قاف آمده‌اند؟ ما به کار دعوت‌کنند، آمده‌ایم، بسیاری از مسئولان عالی قضائی و قضات

سیاست

آیت‌الله مکارم‌شیرازی به رئیس قوه قضائیه نامه نوشت

گلایه‌های آیت‌الله

آیت‌الله مکارم شیرازی خطاب به آیت‌الله آملی‌لاریجانی: قانع نشدم

به‌صورت سکه و دلار در خانه‌ها محبوس می‌کنند؟ چرا نقدینگی بدون درنظرگرفتن راهکارهای اقتصادی از طریق استقراض از بانک مرکزی، بی‌حساب‌وکتاب افزوده می‌شود؟

انتقاد از فضای مجازی

آیت‌الله مکارم‌شیرازی بیشترین انتقاد را به وضعیت فضای مجازی دارد. ایشان یک بار گفت: «بارها به مسئولین محترم از رئیس‌جمهور و دیگران هشدار دادم‌م که این فضای مجازی بلای جان شماست؛ نه‌تنها دین و ایمان و اخلاق و همه مقدسات را هدف قرار داده و فحشا را به درون خانه‌ها می‌فرستد و خانواده‌ها را از هم منلاشی می‌کند؛ بلکه خطری برای انقلاب، نظام و امنیت جامعه است؛ اما متأسفانه گوش شنوایی نبود؛ اما اکنون می‌بینیم دامن همه آنان را گرفته است. از مسئولان محترم سؤال می‌کنم فضای مجازی که پدیدآورنده آن دشمنان ما هستند و تمام اختیارات در دست آنهاست و ما را عملاً برده خود می‌سازند، آیا عاقلانه است ما خودمان را در اختیار آنان بگذاریم؟»

انتقاد از یک پلاکار

بعد از ماجرای جنجالی فیضیه قم و بالاترین پلاکار «ای آنکه مذاکره شغرات، استخر فرح در انتظار» آیت‌الله ناصر مکارم‌شیرازی، با انتشار بیانیه‌ای نسبت به تجمع جمعی از طلاب و همچنین پلاکارهایی که در دست داشتند، واکنش نشان داد. او همچنین تأکید کرد که سپاه نیز باید روشن‌کند آیا با اجازه آنها گروهی از سپاهیان در این برنامه شرکت داشته‌اند یا خیر؟ در متن این بیانیه آمده بود: «حادثه‌ای که در مدرسه فیضیه کانون حوزه علمیه در چند روز پیش رخ داد به تمام معنا یک فاجعه بود. متأسفانه جمعی از طلاب و اساتید محترم را به آنجا دعوت کرده بودند، تا درباره مسائل اقتصادی مردم صحبت کنند. سپس ورق برگشت؛ گوینده‌ای را که هیچ اطلاعی از وضع حوزه‌های علمیه شیعه نداشت، دعوت کرده و بدترین اهانت‌ها را به حوزه علمیه و مراجع شیعه کرد و پلاکاری را در دست گرفتند که رئیس‌جمهور محترم را تهدید به مرگ می‌کرد و اعتراف ضمنی به مطالب دیگری داشت. آیا صحیح است در کانون حوزه علمیه این‌گونه سخنان گفته شود؟...»

انتقاد از انتخابات

آیت‌الله مکارم‌شیرازی در دوران انتخابات مجلس هم از بخش اطلاعیه‌هایی در سطح شهر قم مبنی بر تخریب چهره بعضی نامزدهای انتخاباتی انتقاد کرد و گفت: «...نمی‌دانیم چه کسانی این اطلاعیه‌ها را منتشر و پخش می‌کنند؟ نامی در پایان به اسم امضا هم ندارد. هیچ‌کس هم به این‌کار راضی نیست. یقین داشته باشید هیچ مقامی راضی به این کارها نیست...». هنگام انتخابات ریاست‌جمهوری هم انتقاد مشابهی این بار اما نه خطاب به طلاب و مردم بلکه خطاب به نمایانان امر انتخابات مطرح و در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «شکایات زیادی از افراد متعدد از نقاط مختلف به ما رسیده که از وضع نابسامان نیت‌نام انتخاب ریاست‌جمهوری بسیار نگران هستند... باید هر چه زودتر فکری برای حل این مشکل شود تا افراد نام‌نویسی کنند که حداقل کمترین صلاحیت لازم را برای این کار داشته باشند و ای کاش از سالیان قبل اقدام به حل این مشکل می‌شد و تعجب می‌کنیم چگونه بزرگان کشور برای حل این مشکل تدبیری نفرونده‌اند!...»

انتقاد از بیمه، طب اسلامی و حوزه دولتی

مکارم‌شیرازی همچنین با انتقاد از وابستگی مالی حوزه‌های علمیه به دولت، گفته بود: «یکی از ویژگی‌های مهم حوزه، استقلال آن است؛ حوزه باید مستقل از دولت باشد، چراکه وابستگی حوزه علمیه به دولت اثرات منفی دارد. حوزه‌های علمیه باید به استقلال مالی رسیده و هر چه سریع‌تر وابستگی خود را به بودجه‌های دولتی کم‌کنند و این مسئله نیازمند ورود اخبار به حوزه علمیه است. زمانی که دولت توجه لازم به مسائل حوزه‌ها را ندارد، باید راهکارهای جدیدی اندیشیده شود». ایشان یک بار هم از وضعیت بیمه‌گذاران شکایت کرده و گفته بود: «اینکه هسته‌های بیمه در دریافت حق بیمه خیلی شجاع هستند اما گاهی در پرداختن -خسارت- آن، امروز و فردا و این‌ها ما و این ماه می‌کنند، همان‌طور که حق خود را سر ساعت و روز و ماه می‌گیرند، مطابق آن هم -خسارت- بپردازند و نباید تعللی در پرداخت باشد... فردی بدون گواهینامه پشت ماشین نشسته و تصادف کرده، طبق قواعد بیمه چون او بدون گواهینامه بوده، خسارت به او تعلق نمی‌گیرد، اما می‌آیند به جای آن راننده خاطی، شخص دیگری را می‌نشانند که گواهینامه دارد، در حالی که راننده قبلی گواهینامه نداشته است. در نامه‌ها از ما سؤال می‌کنند چنین پولی از اداره بیمه گرفتیم، آیا حلال است؟ ما می‌گوییم حرام است، پول را برگردانید و خلاف قرارداد است. آیت‌الله ناصر مکارم‌شیرازی، مرجع تقلید در دیدار با وزیر بهداشت با انتقاد از کسانی که «با یک مشت خرافات هم به اسلام و هم به طب سنتی آسیب می‌زنند»، گفته بود: اگر طب سنتی در چارچوب قانون و ضوابط باشد، تأثیرگذار و مورد تأیید است، در احادیث اهل بیت (ع) چیزی به نام طب اسلامی وجود ندارد و برخی با یک مشت خرافات هم به اسلام و هم به طب سنتی آسیب می‌زنند.

ادامه از صفحه اول

تصویر بسته منسجم

آسیب‌های اجتماعی

از این زاویه صنعت مواد مخدر، مبنای مقبولیت را برای دست‌اندرکاران به‌ویژه سرشیکه فراهم می‌کند و حتی نوعی موقعیت عاطفی پدروخوانگی را برای خانواده، اهالی محل و اطفال بی‌سرپناه به وجود آورده است. داستان حاشیه‌نشینی و صنعت تولید و توزیع مصرف مواد مخدر، با روایت عمیق کارگردان از پدیده خشونت تکمیل می‌شود. هومن سیدی با چیره‌دستی انواع رنگارنگی از خشونت را به خواننده متن (فیلم) ارائه می‌کند. نخست نوعی از خشونت غیرمستقیم یا پاکیزه که بر اثر سلسله‌روایت‌های تاریخی و تمکین گوسفندواره (بره‌وار) علیه کودکان، نوجوانان و جوانان و حتی بزرگسالان و پدر و مادر شکور اعمال و اجرا می‌شود و این خشونت به دلیل سلطه و هژمونی پلانماز شکور بر محیط اجتماعی محقق می‌شود و کسی را یارای مقاومت در برابر آن نیست و حتی برادر کوچک‌تر (شاهین) هم با وجود اعتراضات مکرر از این شرایط تمکین می‌کند و حتی تلاش می‌کند رفتار خود را براساس همین مناسبات خشونت‌آمیز تنظیم کند؛ هرچند ذاتاً فاقد این توانایی باشد. نوع دیگر خشونت، رواج به‌کارگیری و اعمال زور عریان فیزیکی است. منطق حاکم در مناسبات (افزون بر سلطه هژمونیک و تحمیل اقتدار به‌ظاهر مقبول) زور و خشونت است. این خشونت از میزان حداقل آن یعنی خشونت زبانی تا خشونت در سطح چاقوکشی، قمه‌کشی، کوش‌بُری یا قتل خانوادگی و خشونت ناموسی به طور محسوس بر فضای محیط حاکم است.

خشونت در روابط بین افراد، روابط بین دو گروه رقیب در محله و علیه زنان و دختران عامل می‌شود تا حدی که جلوی چشم پدر و مادر و سایر اعضای خانواده، دختر جوان به بهانه‌ای اثبات‌نشده به دست برداران و با رضایت پدر و مادر خفه می‌شود؛ بنابراین ضرب‌وجرح و حتی قتل نیز به این خلکیسون آسیب‌های اجتماعی افزوده شده و دگرکشی و بی‌رحمی بدون مانعی جدی، هنجار رایج در این محیط نشان داده می‌شود. با وجود نشان‌دادن حداقل یک خانواده معمولی (خانواده شکور) در ظاهر، واقعیت حکایت از وجود یک خانواده نامنجم دارد؛ پدر معتاد، مادر مریض، پسرانی سرکش و وختری که از این فضا به تنگ آمده و مشغول کسب‌وکار خود شده، اختلاف‌ها و سرکوفت‌های مستمر زن بر مرد خانواده، دودرگدگی و اعتیاد مرد حتی در سالمنده، فراوانی و رواج بچه‌های سرراهی در داخل خانواده (شاهین) و در آغل گوسفندان که محل نگهداری کودکان زیادی شده است. بی‌سرباهی و سرراگذاشتن اطفال، نشانه‌های برترکار فیلم هستند که از اقتضات این سبک زندگی است. نویسنده در چند قرار مهم، حتی به مسئله زندان‌ها هم پرداخته است؛ تداوم زندانی‌گده‌لات‌ها در زندان، توانایی صدور دست‌وراثت جایی حتی در زندان علیه برادر ناتنی، تصویری انتقادی از وضعیت نظام زندانبانی و تنگناها و مضایق این سیستم در شرایط فعلی کشور... بخش دیگری از این پازل پیچیده آسیب‌های اجتماعی، به فضای مجازی و مشکلات آن اشاره دارد که دمارگیر افراد زیادی شده و قربانیان فراوانی دارد و در اینجا فضای مجازی به سهولت زمینه و شرایط قتل دختر خانواده را نیز فراهم می‌کند؛ درحالی‌که روایت فیلم از سلامت و صداقت مقتول حکایت می‌کند، اما ادامه خشونت در فضای واقعی به خشونت در فضای مجازی نیز تسری داده شده است. سیدی در فیلم مغزهای کوچک زنده‌توانسته یک آلبوم کامل از واقعیت آسیب‌ها، انحراف‌ها، جرائم و مشکلات اجتماعی به‌هم‌پیوسته، درهم‌تنبیده، منسجم، چنلایه و چندبعدی موجود در جامعه ایران را به نمایش بگذارد که خروج از این فضا به سختی دشوار است (صحنه‌های آخر فیلم و مواجهه شاهین و شهروز که از زندان آزاد شده و زنش را دهد شهروز دستور قتل شاهین را از برادر بزرگ‌تر در زندان گرفته است). با این همه، با ابتکارات و جسارت‌های فردی می‌توان سوسوی امید برای خلاصی از این اوضاع را داشت (کاری که شاهین برای خواهرخوانده‌اش کرد و او را از این منجلب فرساری داد). اما آمیدی به اصلاح ساختاری وجود ندارد. شخص دیگری در حکایت از جانشینی او به‌جای برادر بزرگ‌تر دارد. در صحنه‌ای که شاهکار فیلم است، انبوه مردان، زنان و کودکانی دیده می‌شوند که تا تخریب محل و در یک صف طولانی در حال تخلیه از محله هستند و ما تجربیات مکرری از این‌گونه اقدامات سخت، سازه‌ای، فنی و فیزیکی در سطوح مختلف نظام اجتماعی (اعم از مسائل شهری، فرهنگی، هنری و...) داریم؛ بی‌آنکه تدبیر و راهبردی بلندمدت و پایدار برای ساکنان، اهالی، ذی‌نفعان و جامعه محلی شده باشد. حضور نیروهای رسمی در قلع‌وقمع کارگاه صنعتی مواد مخدر و بعداً در راهسازی اطفال بی سرپناه از نقل گوسفندان و نیز در تخریب محله و موجه و معقول می‌نماید اما نمادها، نشانه‌ها و علائمی که نشان‌دهنده ارائه راهکارهایی اصولی برای حل‌وفصل مسائل و آسیب‌های اجتماعی باشد، دیده نمی‌شود. بیرواضح است که اهالی تخلیه‌شده بدون برنامه مشخصی رها خواهند شد تا حاشیه‌ای دیگر به‌وجود آورند یا در حاشیه‌ای دیگر سسکا‌گزینند و بالااجبار تحت تأثیر مناسبات نابرابر کلان اجتماعی، مجدداً درگیر انواع و اقسام آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی شوند. این تصویری واقع‌بینانه و اصیل از آسیب‌های اجتماعی درهم‌تنبیده و بدخیم موجود در جامعه است که کم‌اگان به‌شدت از نبود راهبردهای جامع، نرم و پایدار رنج می‌برد و بنابراین مرتب بازتولید می‌شود و گسترش می‌یابد.